

رحمان قهرمان پور و تحلیل جنگ دوازده روزه

حمله اسرائیل به ایران را در دو سطح می توان بررسی کرد: سطح اول تحولاتی است که منطقه خاورمیانه بعد از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ با آن روبرو شد. سطح دوم تحلیل این جنگ را در بستر نظام بین الملل و تحولات آن بررسی می کند.

حمله اسرائیل به ایران را در دو سطح می توان بررسی کرد:

سطح اول تحولاتی است که منطقه خاورمیانه بعد از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ با آن روبرو شد. به تعبیر برخی تحلیلگران جنگ ۱۲ روزه ادامه منطقی اقدامات پیشدستانه و تجاوزگرایانه اسرائیل بود که از غزه شروع و به لبنان کشیده شد و سپس به سوریه سرایت و در نهایت به اقدام نظامی علیه تاسیسات هسته ای، موشکی و نظامی ایران منجر شد.

سطح دوم تحلیل این جنگ را در بستر نظام بین الملل و تحولات آن بررسی می کند. به طور مشخص نظام بین الملل، بعد از حمله روسیه به اوکراین شاهد میلیتاریزه شدن و تشدید نظامی گری و استفاده از ابزارهای غیرمسالمات آمیز برای حل بحرانها و مناقشات بود. چه حمله روسیه به اوکراین و چه اقدامات اسرائیل نشان از استفاده از زور برای حل چالش ها و موارد اختلافی مابین قدرتهای بزرگ و منطقه ای با دیگر کشورهاست.

درباره فهم جنگ دوازده روزه در بستر منطقه ای ذکر چند موضوع ضروری است:

بعد از عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ توازن قوا در منطقه به ضرر محور مقاومت در حال تغییر است. در حالیکه بعد از بهار عربی، سه محور مقاومت شیعی، اخوانی و محافظه کار عربی به رهبری عربستان در حال رقابت با یکدیگر بودند، بعد از حادثه آرامکو در سال ۲۰۱۹، این رقابتها فروکش کرد.

عربستان و امارات و تا حدی ترکیه به این جمع بندی رسیدند که باید در مسیر تنش زدایی گام بردارند. عربستان روابط خود را با ترکیه بهبود بخشید و بعد از آن به عادی سازی روابط با ایران پرداخت. امارات متحده عربی هم در روابط خود با ترکیه و ایران همین روند را در پیش گرفت. در نتیجه بعد از عملیات ۷ اکتبر، دو محور مقاومت با رهبری ایران با محور آمریکایی- اسرائیلی در مقابل یکدیگر قرار گرفتند.

با وجود تلاش ایران -و حتی حزب الله لبنان- برای صبر استراتژیک و عدم رویایی مستقیم با اسرائیل و ایالات متحده، اما ظاهرا مقامات امنیتی اسرائیل به دفاع فقط فکر نمی کردند بلکه شاید به گفته «انوشیروان احتشامی» به دنبال خلق لحظه ۱۹۶۷ بودند.

نتانیاهو که در داخل با مشکلات متعددی روبرو بود تلاش کرد با بازآفرینی پیروزی ۱۹۶۷ اسرائیل بر اعراب، خود را دوباره به عنوان یک رهبر بزرگ در اسرائیل مطرح کند و لذا رویکرد تهاجمی و اقدامات پیش دستانه را در پیش گرفت. حتی به اقرار برخی مقامهای اسرائیلی، تهدید فوری از جانب ایران متوجه اسرائیل نبود اما اسرائیل می خواست از فرصت تضعیف محور مقاومت، برای ضربه زدن به آن استفاده کند.

پس چیزی که از ۷ اکتبر تا ۲۳ خرداد در خاورمیانه دیده شد، تلاش برای تغییر توازن قوای منطقه ای به نفع آمریکا و اسرائیل است که به ضرر محور مقاومت است. نظام منطقه خاورمیانه به گونه ای است که در آن، تضعیف یک قدرت می تواند به افزایش بیش از حد قدرت دولتهای دیگر منجر شود. به عبارت ساده تر همواره این نگرانی در میان دولتهای خاورمیانه وجود دارد که مبادا یکی از دولتهای موجود بیش از حد قدرتمند شده و تبدیل به همزمن منطقه ای شود. به عنوان نمونه، قبل از ۲۰۱۹ نگرانی از تبدیل شدن ایران به همزمن منطقه ای در اسرائیل و کشورهای عربی جدی بود. بعد از حمله اسرائیل به ایران، ترکیه و عربستان نگران افزایش قدرت بیش از حد اسرائیل شده اند و تلاش دارند در مقابل سلطه همه جانبه اسرائیل در خاورمیانه مقاومت کنند. از همین رو زمینه برای همکاری ایران و ترکیه و عربستان برای مهار قدرت اسرائیل افزایش پیدا کرده است.

نکته دیگر در تحلیل شرایط کنونی منطقه خاورمیانه، تلاش اسرائیل برای خارج کردن مساله فلسطین از کانون گفتمان و دغدغه و هویت مشترک عربی است. اسرائیل در سالهای اخیر تاکید داشته که راه حل دو دولت را نمی پذیرد و عادی سازی روابط با کشورهای عربی یا همان "توافق ابراهیم" را جایگزین آن کرده است. خارج کردن مساله فلسطین از کانون مساله عربی می تواند وحدت نصفه نیمه اعراب را به هم ریخته و موجب جدایی هر چه بیشتر کشورهای عربی از یکدیگر شود. به عنوان نمونه عادی سازی روابط مراکش با اسرائیل در گذشته، موجبات افزایش اختلاف میان مراکش و کشورهای عربی نظیر الجزایر شد و در ادامه در عادی سازی روابط اسرائیل با امارات این تجربه را بار دیگر مشاهده کردیم.....

متن کامل:

<https://cutt.ly/yrDa9IPB>

باز نشر : ایران فردا